حمید سبزواری(شاعر) امیر حسین فردی(نویسنده) ابوالفضل عالی(گرافیست) شهید رسول کاظم‌نژاد(عکاس) حسن شایانفر(محقق) شهید احمد زارعی(شاعر) مهرداد اوستا (شاعر) نصرالله مردانی (شاعر) حبیب‌الله معلمی(شاعر) مسعودشجاعی‌طباطبایی(کاریکاتوریست) علیرضا قزوه(شاعر) محمد علی گودینی(نویسنده) علی‌محمد مؤدب (شاعر) مرحوم شهریار(شاعر) محمد مهدی سیار(شاعر) سیمین‌دخت وحیدی(شاعر) صلواتیان(نویسنده و تصویرگر)

فصل‌های هجران و شکیب

به بهانه تشییع پیکرهای مطهر شهیدان گمنام

فصل اول: بلوغ و باور

آن روزها پدر و مادر هنوز با پیری میانه‌ای نداشتند. چادر عفاف مادر، سرشار از عطر نشاط و شادابی بود. پدر نیز روزی حلال از خدا می‌طلبید و گاه نفسی در جبهه‌ها تازه می‌کرد. پدر، بسیجی بود و رزمنده.

محمد نیز دُردانه‌ای بود که در برابر دیدگانشان رشد می‌کرد و قد می‌کشید. نگاه به قامت رعنای او لذتی بیرون از وصف داشت. شیر حلال و پرورش دینی، وی را مؤدب و باحیا رشد داده بود. از نوجوانی به اخلاق خوش، احترام وافـر به پدر و مادر، التزام به نماز اول وقت، ضعیف نوازی و دوستی با مستمندان شهره بود.

اینک محمد در آغاز جوانی چون سروی بالنده است که چمنزار زندگی از وجـودش خرمی می‌یابد اما قامت برازنده‌اش چیزی کم دارد. لباس دامادی!- «خوب اسـت به همین زودی‌ها برای محمد آسـتین بالا بزنیم.» این را مادر به پدر محمد می‌گوید و چنین پاسخ می‌شنود: «پس خوب اسـت اول با خودش مطرح کنیم تا بدانیم نظرش چیسـت.» ازدواج فرزند و خوشبختی او آرزوی هر پدر و مادری است. پسر از شنیدن پیشنهاد آن دو مهربان، نگاه پرآزرم خود را به پایین می‌افکند و لبخندی می‌زند. گویی در این وادی‌ها نیسـت و در دنیای دیگری سیر می‌کند و البته در پی فرصتی‌ست برای بازگو کردن آن...

پـدر و مادر ابتدا از شـنیدن تصمیـم محمد، یکه می‌خورند و تـن در نمی‌دهند. آخر چگونـه می‌توان از فرزنـد خود دل کنـد و او را روانه جبهه‌ها کرد؟ آنجا که جز آتش و خمپاره نیست. چه دشوار است به دست خود فرزند دلبند خویش را آماج گلوله دشـمن کنی و هر روز در انتظار خبری ناگوار بنشینی.

باری محمد سـرانجام با توسـل و نیایش و اصرار و التماس! رضایت والدین را جلب می‌کند و با شوقی بیرون از وصف پا به جبهه می‌گذارد... آن سال‌ها راه ارتباط، بیشتر نامه بود و کمتر تلفن و محمد سعی می‌کرد خانواده را از حال خود بی‌خبر نگذارد.

فصل دوم: دیده به راه یوسف

چه روزهای سخت و شب‌های طاقت فرسایی! ده سال چشم به راه بودن را از کسی بپرس که این محنت را چشیده باشد. انتظار یعنی شمردن لحظات ناگوار تنهایی و بازخوانی رنج خود در ثانیه‌های پر تکرار. انتظار یعنی دل سپردن به لحظه ناپیدای دیدار که شیرینی آن، تلخی صبر سالیان حرمان را از یاد ببرد. انتظار یعنی منزل به منزل، راه بریدن در برهوت وحشت خیز زمان به امید رسیدن به آبشخور وصالی زلال و خوشگوار.

خدایـا! محمد اکنون کجاسـت؟ چه می‌کند و چه می‌خورد؟ بعد از این همه سال رخسار زیبایش چه تغییری کرده؟ شاید چهره‌ای مردانه و جذاب به خود گرفته. شاید هم سـختی دوران اسارت او را فرسـوده ساخته، آفتاب سـوخته و تکیده شده با صورتی استخوانی. حتی ممکن اسـت لحظه اول او را نشناسـیم! اردوگاه‌های رژیم بعث وحشـیانه اسرا را شکنجه می‌کنند و درد و رنج حاصل از شکنجه خواه‌ناخواه وجود آنان را می‌گدازد. خدایا! خودت پناهش باش. آه‌ای آنکه یوسف را به آغوش یعقوب رساندی! پسرم را به من بازگردان...

خدایا! حیاتِ راسـتین آدمی در امید اسـت. امید خونی سـت که شریان‌های خشکیده را تازه کرده و نبض زندگی را در آن جاری می‌سـازد. امید سرمایه محبان و ابزار دل‌های عشاق است.

پدر و مادر این روزها را به امید می‌گذرانند. هر چند دیری ست که طراوت جوانی را از دست داده‌اند و از خطوط کتاب رخساره‌شان می‌توان داستان بلند اندوهی بی‌کران را مرور کرد، اما دل به ابلیس لعین نسـپارده و پیوسـته امیدشـان به پروردگار مهربان است. اخباری تأیید نشده از اسارت محمد در اردوگاه‌های رژیم بعث رسیده است و آنان در آرزوی دیدار او دل خوش می‌دارند.

فصل سوم: گلی گم کرده‌ام...

اکسـیر صبر از پدر و مادر محمد کوهی اسـتوار ساخته؛ پدر نمود حماسه است و مادر نماد اسطوره. بعد از گذشت سال‌ها و بازگشـت آزادگان به میهن، موضوع شهادت محمد به قطعیت رسید. محمد شهید شده است. آن جوان اخلاق مدار، سرانجام قفس تنگ و حقیر دنیا را شکست و به لقای حق پیوست. محمد چون هزاران شهید این دیار پاک، عزتمند و شجاع به جبهه‌ها رفت و در دفـاع از دین و میهن خود جنگید و جام «فَمِنهُم مَن قَضی نَحبَهُ» را سرکشید.

دلخوشـی هر روز مادر این است که ساک وسایل محمـد را در کنار سـجاده نماز خویش بـاز کرده و عطر یوسف خود را از پیراهنش استشمام نماید آنگاه با دیده‌ای پر آب و دلی پر آتش، چنین نجوا کند: خدایا! پیکر محمدم در کدام خاک خفته؟ آیا پس از این همه سال بدنش به من می‌رسد؟ آیا اعضایش سالم است؟... سـر در بدن دارد؟ یا اقتدا به ارباب بی‌کفن خود کرده است؟ آه... پیکر فرزند خواهرم سالم بود جز جای اصابت تیری به پیشانیش. ولی شهید همسایه را با دست‌های قطع شـده و فرق خونیـن آورده بودند مانند مولایش قمر بنی‌هاشم.

خدایا! تا زنده ام محمدم را به من برسان. می‌خواهم پیکر به خون خفته‌اش را در آغوش بگیرم و بر بستر خاک نَهم آنـگاه به جهانیان اعلام کنم او به خاطر خدا رفت و فدای اسلام شـد. فدای یک تار موی نازدانه سیدالشهدا حضرت علی اکبر شد. خدایا! پیکر به خون خفته یوسفم را به من باز گردان.

فصل چهارم: گمنامان نام‌آور

بیش از سی سال از آن روزها می‌گذرد پدران و مادران بسیاری چشم به راه پیکر شهید خود بودند اما هرگز نگاه عطشناک‌شان به زلال دیدار فرزند سیراب نشد تا که خود به آنان پیوستند. همین‌طور پدر محمد که چند سالی ست به دیار باقی شتافته. او نیز از دیدار فرزند کامی نیافت.

مـادر اما عصا زنان در حالی که قاب عکس محمد را به همراه دارد، در تشـییع پیکر شهیدان تفحص شده شرکت می‌کند. کسی چه می‌داند؟ شاید بدن محمد یکی از این ده‌ها پیکر باشـد. اصلا چه فرق دارد؟ این شهیدان همه محمدِ من‌اند. هر یک روشـنیِ دیده و پاره‌های جگر این ملت‌اند. این‌ها هرکدام دلبرانی هستند که سالیان دراز بر بستر زمین، خاکسار و تسلیم اراده پروردگار، چهره در نقاب خاک فرو بردند.

سال‌هاسـت بچه‌های تفحص، با اقتدا به قوم بنی اسد، پرتلاش و بی‌ادعا در دشت‌های معرفت به جست‌وجو مشغولند. ذرات این خاک مقدس، آغشته به خون‌هایی ست که به گناه دفاع از شرافت و کرامت بر زمین ریخته است. بچه‌های تفحص در ترنم ذکر و توسل به یافتن قطعه‌ای از چفیه، پلاک، پوتین یا استخوانی، سرزمین آسمانیِ جبهه را زیر و رو می‌کنند. آن اسـتخوان‌های مطهر از پیکرهای پاکی بجا مانده که بعد از خلق حماسـه، اینک خاموش و پرشکوه در محراب خود به سجودی ابدی آرمیده‌اند. آنها را گمنام نخوانید که نام آوران کوی نیکنامی‌اند.

ایـن روزها ایران ما بـال خود را در فضای ملکوت می‌گشاید و نفس‌های فرشتگان را در ریه شهرها می‌دمد و سـجاده‌های حضـور را به امامت شـهدا در خیابان‌ها می‌گسـترد. این روزها در هوای طوفانی چشم‌ها و تندر احساسـات ملت، کشتی سبک شـهیدان به روی موج دست‌ها بدرقه می‌شود.

شهیدان، جراحت التیام نیافته دل‌ها، سنگ صبور قرن‌های انتظار و خاکستر گدازه‌های بی‌قراری‌اند. شهیدان، هویت و سند اصالت این ملت‌اند.

سید ابوالحسن موسوی طباطبایی

شاعری از نخلستان سادگی و بصیرت!

■ پژمان کریمی

«انقلاب اسلامی» رستاخیزی بزرگ و بعثتی چشمگیر برای ادبیات فارسی بود. نهضت و رخداد انقلاب اسلامی، گفتمان خاص و روشن و روشنگر خود را به بطن ادبیات وارد کرد. ادبیاتی که در دوران پهلوی اول و دوم کاملا در مرداب عفن لیبرالیسم فکری و اومانیسـم شوم و الحاد وارداتی غرق شده بود و رسـالت خود را دین‌ستیزی، نفس‌پروری و گسترش شاه‌پرستی قرار داده بود و معنا کرده بود!

امـا... عناصر و اجـزای گفتمان خاص انقلاب اسـلامی چیست و چه مفاهیمی گفتمان یادشده را تبیین و تعریف کرده‌اند؟

خداخواهی، نفی طواغیت درون و برون، احترام به کرامت انسـانی، ستم‌سـتیزی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی، شـهادت‌طلبی، فـداکاری و هرچه به عنوان فضیلت معنوی و ملکات نفسـانی معنا می‌شـود؛ در دایره گفتمان یادشده تعبیه و عرضه شده است.

شـاعران برآمده از گفتمان انقلاب اسـلامی، به شـکل طبیعی شعر خود را آینه شفاف و قدی و تمام‌نمای گفتمان یاد شـده، تصویر می‌کردند و می‌کننـد. آنها با شـناخت از ابزار هنر و کارایی عمیق شعر و تکلیف الهی سنگین انسان مسلمان، قلـم برگرفته‌اند و از برای بسـط گفتمان هدف و در واقـع تحقق و نیل به اهـداف و غایات انقلاب می‌کوشـند و مجاهـدت اندیشـگی و خلاقانـه می‌نمایند.

یکـی از هنرمنـدان و برکشـیدگان از میان سـاحت ادبیات بعثت یافته ایران بی‌تردید دکتر علیرضا قزوه اسـت. شـاعری که بـه تعبیری؛ از دایره بسـته و متعفـن نفسـانیت فاصله گرفته اسـت، تلاش دارد هنر و شـعر خود را همواره در مسـیر آرمانی و الهی به حرکت وادارد و پاسداری کند.

نام قزوه شاید زمانی بیشتر رنگ گرفت و جلوه کرد و به زبان‌ها افتاد که آثار وی در زیرگونه «شعر اعتراض» منتشر شد.

مجموعـه «از نخلسـتان تا خیابـان» او، در روزگاری به چاپ رسید که گفتمان لیبرالیستی و ادبیات تکنوکرات‌های بی‌درد برفراز و درون جامعه ایرانـی، ندای نحس و رخوت‌برانگیز «تسـاهل و تسامح» بر می‌زدند.

قـزوه متاثر از چنیـن روزگار تلخی و در یاد خون‌های پاکی که در تقابل با هر نوع نگاه و مشی خداستیزانه بر زمین ریخته شده بود و فراموشی‌شان برابر با گسـترش لاقیدی سیاسـی و فرهنگی و اقتصادی است، سرود:

«دسته‌گل‌ها دسته‌دسته می‌روند از یادها
گریه کن، ای آسمان! در مرگ توفان‌زادها
سخت گمنامید، اما ای شقایق‌سیرتان!
کیسه می‌دوزند با نام شما شیّادها...
غیر تکرار غریبی، هان چه معنا می‌کنید
غربت خورشید را در آخرین خردادها؟...»

قزوه فاصله‌گیری جامعـه از ارزش‌های الهی و تعـارض با فرهنگ علـوی را به مخاطب یادآور می‌شود و می‌سراید:

چرا نهج‌البلاغه را جدی نمی‌گیریم؟

مولا ویلا نداشت
معاویه کاخ سبز داشت
پیامبر به شکمش سنگ می‌بست
البته به شما توهین نشود
بعضی برای جنگ شعار می‌دهند

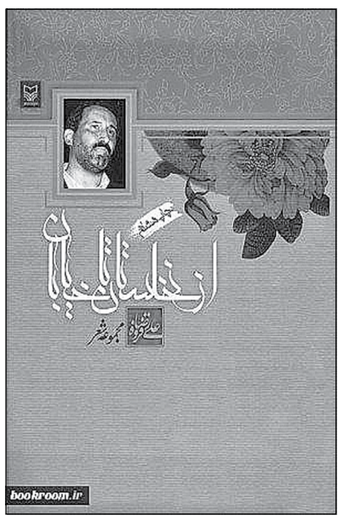

و خودشان از جاده شمال به جبهه می‌روند
پیش از آنکه بر من حدّ تهمت جاری کنید
من بر خویشتن حد وجدان جاری کرده‌ام
من دو شاهد عادل دارم: قرآن و نهج‌البلاغه
من چاپلوس نیستم
تملق نمی‌گویم
اما قدر امام را می‌دانم
بیایید قدر مردم را بدانیم
بیایید مثل مولا با مردم همدردی کنیم»

به واقع آگاهـان و صاحب‌نظران ادبیات، قزوه را یکی از پرچمداران شـعر اعتـراض یا اعتراضی می‌دانند و معرفی می‌کنند. شعری که با یادآوری گفتمان انقلاب اسلامی و راه و سیره حضرت امام روح‌الله(ره)، بر پلشـتی‌ها و زشـتی‌ها می‌تازد و نقصان‌ها و کج‌روی‌ها را نتیجه طبیعی فاصله‌گیری از متن دین الهی اسلام و گفتمان انقلاب توصیف می‌کند.

قزوه به عنوان یک شاعر انقلابی، نمی‌توانست از زبان ستیهنده برخوردار نشود. شاعر انقلابی بدون ملاحظات و به دور از معادلات گیتیانه، حرف می‌زند و در واقع می‌سـراید. او عاشق است اما عشق را در مخروبه نفس نجسـته است. عشق ابدی الهی او را در مسیر - به تعبیری- ذاکر، مذکر و نقادی منصف درآورده است. او باب پسند مخاطب شعر نمی‌گوید، تملـق به زبان نمی‌آورد بلکه، از برای خشـنودی حضرت حق تعالی و در جهت مصالح جامعه انسانی قلم سرودن را مجدانه و قاطعانه به خدمت می‌گیرد.

«فتنه شاید روزگاری اهل ایمان بوده باشد
آه این ابلیس شاید روزی انسان بوده باشد
فتنه شاید در لباس میش، گرگی تیز دندان
در لباسی تازه شاید فتنه چوپان بوده باشد
فتنه شاید کنج پستویِ کسی لای کتابی؛
فتنه لازم نیست حتماً در خیابان بوده باشد
فتنه شاید در صف صفین می‌جنگیده روزی
فتنه شاید در زمان شاه، زندان بوده باشد!
فتنه شاید با امام از کودکی همسایه بوده
یا که در طیّاره پاریس- تهران بوده باشد
فتنه شاید تابی از زلف پریشان نگاری
فتنه شاید خوابی از آن چشم فتّان بوده باشد
فتنه شاید اینکه دارد شعر می‌خواند برایت؛
وا مصیبت! فتنه شاید از رفیقان بوده باشد
...

از دیگر اختصاصات قزوه موضع‌گیری او در برابر رویدادهای روز است. رویدادهایی که در نسبت با ایران و جهان اسلام است. او با بهره از دانش دینی و آگاهی‌های سیاسی و تاریخی به تحلیل حوادث و پیشـامدها از نگاه ادبی می‌نشیند. هنگامی که شـیخ ابراهیم زکزاکی رهبر خمینیون نیجریه در معرض اهانت و اسارت کفار و طاغوتیان زمان بود، شاعر انقلابی چنین سرود و چنین اذهان و دل‌ها را رو به شـیخ ابراهیم مظلوم و یاران و دوستداران ستمدیده‌اش فراخواند:

«...آن سـوی مرز خمینیـون «امن یجیب» می‌خوانند
به عشق خامنه‌ای گلوله می‌خورند
از شیخ عیسی به باقرالنمر
از باقرالنمر به شیخ ابراهیم
از شیخ ابراهیم به نصرالله
ما در محاصره‌ایم
گلوله و دعا بفرستید
این سوی مرز
عالی جناب رفته غسل شیر به جا بیاورد
آن سوی مرز
سر بریده می‌آورند از زینبیه
این سوی مرز
شمع روشن کرده‌اند
در میدان محسنی
شوالیه‌ها و خوک‌ها و شراب ها
آن سوی مرز صدای‌گریه می‌آید

از خانه شیخ ابراهیم...»

علیرضا قزوه نشـان داده است بر خلاف اغلب شعرا، نه در یک سبک و وزن خاص که؛ چه در قالب کلاسیک و چه در قالب سپید و در اوزان گوناگون، بهترین‌ها را می‌سراید.

«اول سلام و بعد سلام و سپس سلام
با هر نفس ارادت و با هر نفس سلام
باید سلام کرد و جواب سلام شد
بر هر کسی که هست از این هیچ کس سلام
فرقی نمی‌کند که کجایی‌ست لهجه‌ات
اترک سلام، کرخه سلام و ارس سلام
ظهر بلوچ، نیمه شب کُرد و ترکمن
صبح خلیج‌فارس، غروب طبس سلام
بازارگان درد! اگر می‌روی به هند
از ما به طوطیان رها از قفس سلام
«دیشب به کوی میکده راهم عسس ببست»
گفتم به جام و باده و مست و عسس سلام
معنای عشق غیر سلام و علیک نیست
وقتی سلام رکن نماز است، پس سلام!...»

(از کتاب «عشق علیه‌السلام»)

قزوه مدتی بعنوان رایزن فرهنگی در تاجیکستان و هندوسـتان فعالیت نمـود. تاثیر حضور وی در هندوسـتان چنان بود که در سال ۱۳۹۳ جمعی از استادان و شـیفتگان زبان و ادبیات فارسی در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب، با برشمردن خدمات قزوه، ماموریت دگرباره این شاعر انقلابی به کشور خود را تقاضا کردند.

قـزوه بار دیگر هم به عنوان رایزن فرهنگی به هندوستان سفر خواهد کرد. او «رایزنی فرهنگی» را ماموریتی بزرگ برای گسـترش زبان فارسـی و مهم‌تـر از آن، تبلیغ گفتمان انقلاب اسـلامی می‌داند!گفتمانی که هـم اینک، جهان مظلومان، رهایی و رسـتگاری خـود را در دریافت و فهم و تحقق عملی آن می‌داند!

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۱
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

شرق
رودهن ۲۶۵۰۰۰۸۸
تهران نو ۷۷۹۳۶۸۸۸ - ۷۷۹۰۹۹۳۹
۷۶۳۲۱۹۳۸
دماوند ۷۶۲۲۵۸۵۰
بومهن ۷۶۳۲۳۷۷۷
جاجرود ۳۶۰۴۸۴۸۰
مامازند(پاکدشت)

جنوب
شهرری ۵۵۹۵۳۶۳۶ - ۵۵۹۰۰۸۹۷
ورامین ۳۶۲۵۷۰۷۴
سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
۳۶۲۵۷۰۷۴
شرق استان تهران ۰۹۱۲۲۳۳۸۱۷۶
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

مرکز
دفتر مرکزی
۳۳۱۱۸۰۵۲
۳۳۹۰۲۵۹۹ ۳۳۱۱۲۲۹۱-۵
۳۳۹۱۰۸۶۲ ۳۳۹۴۲۰۰۰
۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۱۱۲۲۹۶-۹

برگ سـبز اتومبیل سمند به رنگ خاکسـتری مدل۱۳۹۴ به شماره موتور ۱۴۷H۰۱۴۶۱۱۰ و شماره شاسی NAACJ۱JE۴FF۵۰۸۸۰۵ به شماره انتظامی ۱۱۹ب۷۸-۳۸ مربوط به علی رضا نـژاد لداری مفقـود و از درجـه اعتبار سـاقط است.

کارت فعالیت ناوگان عمومی(هوشمند) به شماره ۳۱۸۰۹۷۲ متعلق به کامیون باری چوبی ایسوزو NPR۷۰L به شماره انتظامی ۳۲۵ع۷۳ ایران ۷۳ مدل ۸۹ رنگ سـفید شماره موتور ۸۶۸۱۳۳ شماره شاسـی NAG۰۸۹NPRF۲۶۸۳۲ به مالکیت نگار ناصری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت فعالیت ناوگان عمومی(هوشمند) به شـماره ۲۴۸۰۹۷۸ متعلق به کامیـون کمپرسـی بنـز ال‌کا ۱۹۲۴ به شماره انتظامی ۵۹۹ ع۵۱ ایران ۵۴ مـدل ۸۳ رنـگ نارنجـی شماره موتور ۳۳۵۹۳۲۱۰۰۹۳۹۶۰ شماره شاسی ۳۷۴۳۳۱۶۵۹۳۷۰۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودرو وانت پیکان بـه رنـگ سـفید، مـدل ۱۳۸۷ بـه شـماره انتظامـی ۳۳۹ و ۱۳ ایـران۵۶ و شماره موتـور ۱۱۴۸۷۰۲۱۳۸۱ وشماره‌شاسی NAAA۴۶AA۰۸G۰۲۰۰۲۰۲۶ مفقـود و از درجه اعتبار سـاقط می‌باشد.

برگ سـبز پراید مدل۸۹ به شماره انتظامی ایـران۸۹- ۶ج۶۴۴ بـه شـماره موتور ۳۴۹۱۲۱۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۴۸۱۴۷۰ به نام علیرضا خدابنده‌لو مفقود و از درجه اعتبار سـاقط می‌باشد. بوئین‌زهرا

برگ سـبز (شناسـنامه مالکیـت) خـودروی سـواری پـژو ۲۰۶TU۵ بـه رنگ سـفید روغنی، مـدل ۱۳۹۶، به شـماره انتظامـی ۸۱۲ق۱۷ ایران۳۸ و شـماره شاسـی NAAP۱۳FE۶HJ۱۱۹۷۹۷ و شـماره موتور ۱۷۴B۰۰۱۲۴۳۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مجوز حمل سلاح شکاری یک لول ساچمه‌زنی ته‌پر کالیبر ۱۲، به شماره سـلاح ۱۵۳-۲۶۹۰۴۸ مدل کوسه متعلق به منوچهر عبدالهی چله‌وری به شماره شناسنامه ۷۶۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی کاردانی(نوبت اول)
مـدرک فارغ التحصیلی(کاردانـی) اینجانـب خسـرو شجاعی فرزنـد پرویـز شـماره شناسـنامه ۶۴ وکـد ملـی ۰۴۹۱۱۱۴۷۹۶ صـادره از شـهرری، دانشـگاه آزاد شهرسـتان گرگان در مقطع کاردانی رشـته عمران بـا شـماره ۲۰۶۷۹۰۵ تاریـخ صدور ۱۳۹۳/۱۲/۱۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرستان گرگان ارسال نماید.

مدرک تحصیلـی اینجانب رضوان مهدیان فرزنـد مجیـد بـه شـماره شناسـنامه ۲۶۱ صـادره از تویسـرکان در مقطـع کارشناسـی رشته آموزش زبان انگلیسی صـادره از واحد دانشـگاهی تویسـرکان مفقود گردیـده و فاقد اعتبار می‌باشـد. یابنده اصـل مدرک را به دانشـگاه آزاد اسلامی واحد تویسـرکان به نشانی بلوار حیقوق نبـی(ع) کدپسـتی -۶۵۸۱۶ ۸۵۱۸۴ تلفـن ۳۵-۳۴۹۲۶۶۳۴ ارسال نماید.

سـند مالکیـت و کارت خودروی سـمند E۷ به شماره پلاک ۶۷۲ب۵۵ ایران۴۴ و شـماره شاسـی ۸۱۲۱۸۲۵۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانـب زهـرا میکائیـل‌زاده نمین مالک خودروی سـمند E۷ به شـماره شاسـی ۸۱۲۱۸۲۵۶ و شماره موتور ۳۲۹۰۸۲۰۲۶۵۲ بـه علـت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هـر کس ادعایـی در مـورد خودروی مذکـور دارد ظـرف ده روز بـه دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان‌شـهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سـند خـودرو تویوتـا تیـپ هایلوکـس مـدل۲۰۱۴ به رنگ سـفید و بـه شـماره شـهربانی ۲۵۳۲۷ و شـماره موتـور ۲TRA۶۴۵۸۷۰ و شماره شاسی MR۰FX۲۲۲G۶E۱۴۲۲۲۴۱ مفقود گردیـده و از درجه اعتبار سـاقط می‌باشد.

سـند مالکیت (برگ سـبز) خودرو پژو PARSXU۷ به شـماره انتظامی ۹۱۶۲۳۹ ایـران۹۳ مدل۱۳۹۶ رنگ سفید-روغنی شماره موتور ۱۲۴K۱۰۶۶۵۸۹ شماره شاسی NAAN۰۱CE۲HH۸۳۸۰۳۷ بـه مالکیـت سـعید معصومـی مفقود گردیـده و از درجه اعتبار سـاقط است.

شناسـنامه مالکیت (برگ سـبز) خودروی سـواری پـارس تنـدر ال۹۰ مـدل۱۳۹۵ به رنگ سـفید متالیک بـه شـماره انتظامی ۲۹۲س۹۴- ایران۶۲ به شماره موتور R۱۷۴۰۶۱-K۴MA۶۹۰ و شماره شاسـی NAPLSRALDG۱۲۹۰۳۳۹ مربـوط به خانم آذر غلام‌حیـدری مفقـود گردیده از درجـه اعتبار ساقط است.

قبول آگهی
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳

کمشده پیدا شده

نوبت سوم
مجوز تاسیس واحد تزریقات و پانسمان در محل مطب به شماره ۱۸۹-۱-۷-۹ ت بـه تاریـخ ۱۳۹۱/۹/۱۶ مربوط به درمانگاه بوستان واقع در شیراز شهرک گلستان متعلق به اینجانب نازیلا رستمی یلمه فرزند فرج شماره شناسنامه ۵۴۸ متولد ۱۳۵۹ صادره از فیروزآباد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت فعالیـت نـاوگان عمومی (هوشـمند) به شـماره ۲۹۸۳۱۳۴ متعلـق به کامیونت یخچالـدار جـک N۷۲۱-N۶۰WKJA بـه شـماره انتظامی ۹۴ع۷۲۹ ایـران۷۳ مدل ۲۰۱۵ رنگ سـفید-روغنی شـماره موتور ۴۱۴۱۸۹۲۱۱۹۱AISF۳۸۵ شماره شاسی ۱۱۱RDBD۹FA۰۰۳۴۴۰ با مالکیت مرتضی جوهری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است بانضمام کارت فعالیت راننده حرفه‌ای (هوشـمند) بـه شـماره ۳۰۴۷۶۱۱ به نام اینجانـب مرتضـی جوهری فرزند شـهریار شماره شناسـنامه ۲۳۶۰۰۲۹۹۵۹ متولد ۱۳۶۸ صـادره کازرون مفقـود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

بنایی و خدمات

تعمیرات، نوسازی، تبدیلی، کمد دیواری بازدید رایگان ۶۶۸۷۲۰۰۳ ۰۹۱۲۳۱۵۰۳۹۳

احداث سالن، اتیج و غرفه ۸۶۱۱۰۸۶۱

ارتفاع نورد کرمانج
پیچ رولپلاک شست‌وشو نما نورپردازی با بیمه ۰۹۱۲۰۸۷۰۴۴۸ ۷۷۹۴۹۰۷۹ - ۲۲۸۹۶۷۸۵

آفرین پویای ترنج
خدمات منازل و شرکتها و پذیرایی (خانم و آقا) ۴۴۱۴۴۳۷۶

استخدام

پیک ترمینال غرب
تعدادی موتورسوار تمام‌وقت و نیمه‌وقت با درآمد عالی تماس یک هفته ۰۹۱۲۸۴۶۶۷۸۱

تعدادی خیاط وارد به راسته دوز زیگزال‌دوز و میان‌دوز نیازمندیم ۰۹۱۲۷۱۲۳۲۱۶

متفرقه

بهترین نقطه شهرری «اجاره - فروش»
۱۰۰ متر همکف تجاری ۴۰ متر بالکن تجاری، ۷۰ متـر زیرزمیـن بـا امکانات کامل بازسازی شده ۰۹۱۲-۱۱۴۷۰۰۷

موسسه حقوقی دادبان
قبولی دعـاوی حقوقی، کیفـری، کار خانواده- ثبتی و مالیاتی ۰۹۱۲۵۴۷۲۶۵۷ ۸۸۱۰۶۶۳۰

انواع کامیون و کامیونت خاور ۶ متری پتودار شهر و شهرستان ۵۵۳۰۶۰۰۰ ۰۹۱۲۶۸۹۲۰۵۵

خرید و فروش فیش حج
تماس ۸/۳۰ تا ۲۲/۳۰ ۶۶۳۸۶۹۷۵ - ۶۶۳۸۳۶۹۲ ۰۹۱۲۳۲۵۲۱۵۴

ترک اعتیاد موفق
کم‌هزینه سرپایی زیرنظر پزشک ۰۹۱۲۳۸۴۴۲۷۳ - ۵۵۶۲۳۳۲۸

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی میپذیرد

سمساری
«تهران»
(تمام نقاط تهران)
منصف‌ترین خریدار کلیه لوازم منزل، ظروف و خرده‌ریز انباری - فوری نیم‌ساعته
۰۹۱۲-۶۰۹۲۱۰۷ ۸۸۳۹۷۲۱۰-۷۷۹۰۰۶۸۴

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۷ شرکت برق گستران جهاد تهران (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۱۶۳۲۴ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۹۹۳۰۴ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۹

بدینوسـیله از کلیه صاحبان سـهام حقیقی و نمایندگان سـهام حقوقی دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت برق گستران (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۱۶۳۲۴ که در ساعت ۸ روز شنبه مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۹ در آدرس: تهران- جاده مخصوص کرج- کیلومتر۹- خیابان شهید عاشـری نبش شهید جلال شماره۲۰ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:
۱- اسـتماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی در خصوص فعالیت شرکت در سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹.
۲- بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان و عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹.
۳- انتخاب بازرسـان قانونی اصلی و علی‌البدل شـرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹.
۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها و اطلاعیه‌های شرکت.
۵- انتخاب اعضا، هیئت مدیره و مدیرعامل.
۶- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

هیئت مدیره شرکت برق گستران جهاد تهران (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۱۶۳۲۴

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۷ شرکت جهاد تعاون تهران (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۰۹۷۱۸، شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۳۴۴۹۰ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۹

بدینوسـیله از کلیه صاحبان سـهام حقیقی و نمایندگان سـهام حقوقی دعوت می‌شـود در جلسـه مجمع عمومی عادی سـالیانه شرکت جهاد تعاون تهران (سـهامی خاص) شماره ثبت ۱۰۹۷۱۸ کـه در سـاعت ۱۰ روز شـنبه مـورخ ۱۳۹۸/۴/۲۹ در آدرس: تهران- جاده مخصوص کرج- کیلومتر۹- خیابان شـهید عاشـری نبش شـهید جلال شـماره۲۰ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی در خصوص فعالیت شرکت در سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹.
۲- بررسـی و تصویـب ترازنامـه و حسـاب سـود و زیان و عملکرد سـال مالـی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹.
۳- انتخـاب بازرسـان قانونـی اصلـی و علی‌البـدل شـرکت بـرای سـال مالـی منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹.
۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها و اطلاعیه‌های شرکت.
۵- انتخاب اعضا، هیئت مدیره و مدیرعامل.
۶- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

هیئت مدیره شرکت جهاد تعاون تهران (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۰۹۷۱۸

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۷ شرکت سرمایه‌گذاری میلاد سازندگان (سهامی خاص) شماره ثبت ۹۸۴۰۱ شناسه ملی ۱۰۱۰۵۲۴۰۸۶ مورخ ۱۳۹۸/۴/۳۱

بدینوسـیله از کلیه صاحبان سـهام حقیقی و نمایندگان سـهام حقوقی دعوت می‌شـود در جلسـه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سرمایه‌گذاری میلاد سازندگان (سهامی خاص) شـماره ثبت ۹۸۴۰۱ که در سـاعت ۱۲ روز دوشـنبه مورخ ۱۳۹۸/۴/۳۱ در آدرس: تهران- خیابان ولیعصر- خیابان توانیر- کوچه شـاهین- شـماره ۵ تشـکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی در خصوص فعالیت شرکت در سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹.
۲- بررسـی و تصویب ترازنامه و حسـاب سـود و زیان و عملکرد سال مالی منتهی به